فصلنامه توسعه اجتماعی (توسعه انسانی سابق)، دوره ۲۰، شماره ۴، تابستان ۱۴۰۵، صفحات ۶۶-۳۹

فرسایش نهاد خانواده در آینه توئیت‌ها: مطالعه کیفی تأثیرات تورم بر زندگی خانوادگی ایرانیان

عباسعلی شکاردوست[۱]، دکتر سوده مقصودی[۲]، دکتر سعیده گروسی[۳]

تاریخ وصول: ۱۴۰۴/۸/۱۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۱/۱۸

چکیده:

در بستر بحران‌های اقتصادی ایران، تورم به‌عنوان یک پدیده‌ی ساختاری، نه تنها شاخص‌های کلان اقتصادی، بلکه ساختارهای خرد اجتماعی از جمله نهاد خانواده را دگرگون ساخته است. شبکه اجتماعی توئیتر به‌عنوان فضای بازتاب‌دهنده گفتمان عمومی، داده‌های ارزشمندی از تجربیات زیسته شهروندان در مواجهه با تورم ارائه می‌دهد. این پژوهش با بهره‌گیری از روش کیفی و رویکرد تحلیل محتوای کیفی (شیوه شیء به و شانون، ۲۰۰۵)، ۱۱۶ توئیت مرتبط با تورم را با استفاده از نرم‌افزار مکس کیودا ۱۸ کدگذاری و تحلیل کرده است. یافته‌ها نشان داد که تورم با ایجاد فشارهای اقتصادی چندلایه، دو تم اصلی را در ساختار خانواده ایرانی شکل می‌دهد: بی‌نظمی و تضاد در خانواده ایرانی و مخاطرات خانوادگی. در تم نخست، تورم با تضعیف چهار رکن اساسی همبختی، همگامی، همفکری، و همدلی، به تشدید تنش‌های درون‌خانوادگی منجر می‌شود. کاهش حمایت عاطفی، مشورتی و ناتوانی در برنامه‌ریزی جمعی، چرخه‌ای از تعارض و گسست ارتباطی را تقویت می‌کند. در تم دوم، خانواده با مخاطراتی چون بحران معیشت، چالش تولیدمثل، و کاهش بهزیستی کودکان، خلق ارزش‌های نوین و ناامنی مالی رو به روست که تاب‌آوری خانواده را تحلیل می‌برد. با این حال، نتایج پژوهش از ظهور سازوکارهای انطباقی مانند «اقتصاد مشارکتی درون‌خانوادگی» و «الگوی مصرف حداقلی» حکایت دارد که نشان می‌دهد خانواده ایرانی در مواجهه با بی‌ثباتی، نه تنها قربانی منفعل، بلکه کنشگری خلاق است که در تلاش برای بازتعریف «هم زیستی» در پرتو چالش‌های نوین است.

مفاهیم کلیدی: *ایران، تورم، خانواده ایرانی، تحلیل محتوای کیفی، شبکه اجتماعی توئیتر*

---

[۱] دانشجو دکتری، گروه علوم اجتماعی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران
abbasali.shekardoost1372@ens.uk.ac.ir

[۲] دانشیار گروه جامعه‌شناسی، گروه علوم اجتماعی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید باهنرکرمان، کرمان، ایران (نویسنده مسئول) smaghsoodi@uk.ac.ir

[۳] استاد گروه جامعه‌شناسی، گروه علوم اجتماعی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید باهنرکرمان، کرمان، ایران sgarousi@uk.ac.ir

مقدمه و بیان مسأله

خانواده، به‌عنوان رکن بنیادین نظام اجتماعی در اسلام و زیست‌بوم فرهنگی ـ تاریخی ایران، نقشی محوری و بی‌بدیل در حفظ هویت و انسجام جامعه ایفا می‌کند. با این حال، در دهه‌های اخیر، این نهاد ارزشمند تحت تأثیر نیروهای درونی و بیرونی دستخوش تحولات و دگرگونی‌هایی عمیق شده است (*Kalateh Sadati & Saboohi Golkar, 2024: 239*). یکی از مهم‌ترین این عوامل، تورم مزمن و پایدار است که به ویژگی برجسته و جدایی‌ناپذیر اقتصاد ایران بدل شده و به واقعیتی ریشه‌دار و بحرانی در زندگی روزمره مردم تبدیل گشته است (*Tavakkolian & et. al, 2018:267*). تورم، در تعریفی ساده و کاربردی که مورد اجماع اقتصاددانان قرار دارد، به افزایش مداوم و بی‌رویه سطح عمومی قیمت کالاها و خدمات اطلاق می‌شود (*Jahani Dolatabad & et. al ; Baharlooee & Afrasiabi, 2022:28 2025:115*). بر اساس آخرین داده‌های مرکز آمار ایران، نرخ تورم نقطه به نقطه در بهمن ماه ۱۴۰۳ به ۳۵.۳ درصد رسیده است. این رقم نشان‌می‌دهد که خانوارهای ایرانی به‌طور میانگین برای خرید مجموعه‌ای یکسان از کالاها و خدمات، در مقایسه با بهمن ماه ۱۴۰۲، ۳۵.۳ درصد هزینه بیشتری متحمل شده‌اند (*Statistical Center of Iran, March 2025*). گزارش‌های بین‌المللی نیز این واقعیت تلخ را تأیید می‌کنند. بر اساس گزارش صندوق بین‌المللی پول (*IMF*)، ایران در سال‌های اخیر با نرخ تورم بسیار بالایی مواجه بوده است؛ به‌طوری که در سال‌های ۲۰۲۱ و ۲۰۲۲، این نرخ به ترتیب ۴۰.۱ درصد و ۴۹ درصد ثبت شده و میانگین آن به ۴۲.۵ درصد رسیده است (*International Monetary Fund, April 2023*).

تورم اقتصادی، یکی از چالش‌های بنیادین در عرصه اقتصاد است که زندگی خانواده‌ها را به‌گونه‌ای عمیق تحت تأثیر قرار می‌دهد. یکی از پیامدهای اصلی تورم، افزایش مخارج آموزشی و رشد پدیده کودکان کار است. کاهش درآمدهای خانوار ناشی از شوک‌های تورمی، توانایی والدین برای تأمین هزینه‌های مستقیم آموزش نظیر شهریه مدارس، خرید کتاب، لوازم تحریر، پوشاک و کلاس‌های خصوصی را به‌شدت تضعیف می‌کند. این شرایط، خانواده‌ها را با دو گزینه دشوار رو به رو می‌سازد: خروج کودکان از نظام آموزشی یا کاهش سهم بودجه اختصاص یافته به آموزش در سبد هزینه‌های خانوار. از سوی دیگر، فشار اقتصادی ناشی از تورم ممکن است والدین را مجبور کند تا برای جبران کسری درآمد، کودکان را به بازار کار وارد کنند. در این حالت، کودکانی که پیش از بحران اقتصادی، فعالیت کاری نداشتند، احتمالاً به جمعیت کارگران افزوده می‌شوند (*Fotros & Fatemi Zardan, 2021:108-109*).

تورم علاوه بر تأثیرات اقتصادی، پیامدهای قابل توجهی بر سلامت جسمانی کودکان دارد. تورم با کاهش قدرت خرید خانوارها، به جایگزینی مواد غذایی کم‌کیفیت و کاهش دسترسی به رژیم مغذی منجر می‌شود. این تغییرات، سهم به سزایی در شیوع سوء تغذیه و افزایش نرخ کوتاه‌قدی کودکان داشته است. به‌عبارت دیگر، فشار تورم نه‌تنها امنیت غذایی خانوارها را تهدید می‌کند، بلکه به‌عنوان عاملی کلیدی در تخریب سلامت نسل آینده شناخته می‌شود (*Sadikeen & et. al, 2024:1-2*). در ایران، کشوری با سابقه تورم مزمن و نوسانات اقتصادی، این پدیده می‌تواند پیامدهای اجتماعی و روان‌شناختی قابل‌توجهی بر خانواده‌ها به دنبال داشته باشد. با توجه به این شواهد، تورم اقتصادی نه‌تنها یک چالش مالی، بلکه یک مسئله اجتماعی است که نهاد خانواده را در معرض خطر قرار می‌دهد.

در عصر حاضر به مدد ترقّی علم و شکل‌گیری فناوری‌های جدیدی مانند رسانه‌های اجتماعی امکان دسترسی به دیدگاه‌ها و نظرات طیف وسیعی از افراد جامعه فراهم شده است (*Meftahpour & et. al, 2024: 189*). توئیتر در ذیل رسانه‌های اجتماعی برای کاربران ایرانی فرصتی فراهم نمود که تا تجربیات شخصی، نگرانی‌ها و دیدگاه‌های خود را درباره تأثیرات تورم بر زندگی خانوادگی به اشتراک بگذارند. طبق نتایج آخرین نظرسنجی ایسپا در خرداد ۱۴۰۱ سه درصد از کاربران ایرانی از شبکه اجتماعی توئیتر استفاده می‌کنند (*ISPA, June 2022*). شبکه اجتماعی توئیتر به‌عنوان ابزاری برای بیان نظرات و سازماندهی اعتراضات در ایران شناخته می‌شود، به‌ویژه در اتفاقات سیاسی و اقتصادی سال‌های ۱۳۸۸، ۱۳۹۶ و ۱۳۹۸ نشان‌می‌دهد که پلتفرم توئیتر برای تبادل ایده‌ها و ابراز نارضایتی مدنی از دولت استفاده شده است (*Hosseinzadeh, 2024:105; Hersij & Rabiei Nia, 2023*). علیرغم تأثیرات گسترده و عمیق تورم در ایران معاصر، پژوهش‌های جامعی در زمینه ابعاد اجتماعی و فرهنگی این پدیده انجام نشده است. انجام مطالعات کیفی، تاریخی و کمی به منظور شناسایی عوامل تشدیدکننده و اثرات بلندمدت تورم بر نهادهای اجتماعی و هنجارهای فرهنگی، امری ضروری است (*Afrasiabi & Baharlooee, 2020:42*). بررسی ادبیات پژوهشی مرتبط با تورم در ایران نشان می‌دهد که تاکنون هیچ مطالعه مستقلی از داده‌های شبکه اجتماعی توئیتر برای تحلیل تأثیرات تورم بر ساختار خانواده‌های ایرانی استفاده نکرده است. این خلأ پژوهشی، ضرورت انجام مطالعه حاضر را پررنگ می‌سازد. هدف اصلی این پژوهش، کشف و تفسیر پیامدهای خانوادگی تورم از دریچه دیدگاه کاربران ایرانی فعال در شبکه اجتماعی توئیتر است. پرسش محوری پژوهش به این شکل صورت‌بندی شده است: «ابعاد پیامدهای خانوادگی تورم از نگاه کاربران ایرانی در شبکه اجتماعی توئیتر کدامند؟».

این پژوهش با تحلیل داده‌های میدانی و بی‌واسطه کاربران، تصویری واقع‌گرایانه از چالش‌های خانواده‌های ایرانی در مواجهه با تورم ارائه می‌دهد که می‌تواند مبنایی برای تدوین راهکارهای عملیاتیِ همسو با نیازهای جامعه باشد.

پیشینه پژوهش

الف) تحقیقات داخلی

اعمی‌بنده قرایی و همکاران (۱۴۰۲)، در تحقیقی با عنوان «رابطه بیکاری، تورم و مشارکت زنان در بازار کار با روند طلاق در ایران» به این نتیجه رسیدند که افزایش نرخ بیکاری و تورم به‌طور مستقیم با افزایش نرخ طلاق در ایران مرتبط است. این پژوهش با استفاده از روش اقتصادسنجی و مدل ساختاری (*SEM*)، انجام شد و یافته‌ها نشان داد که در شرایط اقتصادی نامساعد، نرخ طلاق افزایش می‌یابد، در حالی که مشارکت زنان در بازار کار تأثیرات پیچیده‌ای بر این روند دارد (*Amibandeh Qarayi & et. al, 2023*).

افراسیابی و بهارلوئی (۱۳۹۸)، در تحقیقی با عنوان «تنگنای زیست‌جهان سالمندی: بازتاب تورم اقتصادی در زندگی روزمره بازنشستگان» با استفاده از روش کیفی و رویکرد داده‌بنیاد برساخت‌گرا به بررسی تأثیرات تورم اقتصادی پرداختند. نتایج نشان داد که تورم باعث کاهش سازگاری معیشتی، کاهش توان حمایتی از فرزندان، دشواری انتظارات فرزندان، فرسایش روانی، کاهش همبستگی اخلاقی و محدودسازی تعاملات اجتماعی می‌شود (*Afrasiabi & Baharlooee, 2019*).

محمدنژاد و همکاران (۱۳۹۶)، در تحقیقی با عنوان «تحلیل اثرات رکود اقتصادی ۱۳۹۲-۱۳۸۹ بر مخارج سلامت خانوارهای ایرانی» با استفاده از روش تحلیلی ـ توصیفی و داده‌های خام هزینه و درآمد خانوارهای ایران (سال‌های ۹۲-۸۹) به بررسی اثرات رکود اقتصادی پرداختند. نتایج نشان داد که اشتغال، تورم و حضور فرزندان بالای ۱۸ سال در خانوار تأثیر منفی بر مخارج سلامت خانوارهای ایرانی دارند (*Mohammadnejad & et. al, 2017*).

ب) تحقیقات داخلی

Binetti & et. al (2024) در تحقیقی با عنوان «درک مردم از تورم» با استفاده از روش اقتصادسنجی و داده‌های جمع‌آوری‌شده از پلتفرم *Lucid* نشان دادند که تورم باعث افزایش پیچیدگی و دشواری در تصمیم‌گیری‌های مالی خانوارهای آمریکایی می‌شود.

Mitra & et. al (2024) در تحقیقی با عنوان «استرس ناشی از تورم: تغییرات در طول زمان، همبستگی‌ها و استراتژی‌های مقابله‌ای در میان بزرگسالان شاغل در ایالات متحده» نشان دادند که سه چهارم بزرگسالان شاغل در ایالات متحده تجربه استرس ناشی از تورم دارند، با بیشترین تأثیر بر زنان، افراد تراجنسیتی و کم‌درآمدها.

Nunley & et. al, (2010) در تحقیقی با عنوان «تورم و سایر عوامل تعیین‌کننده روند نرخ طلاق در ایالات متحده از دهه ۱۹۶۰» با استفاده از روش اقتصادسنجی و الگوی برآورد *OLS* به بررسی عوامل تأثیرگذار بر نرخ طلاق در ایالات متحده پرداخت. نتایج نشان داد که تورم یکی از عوامل مؤثر بر افزایش نرخ طلاق در خانواده‌های آمریکایی بوده است.

بررسی پیشینه پژوهش‌نشان می‌دهد که مقالات انگلیسی زبان بیشتر به تحلیل‌های اقتصادی و داده‌های آماری می‌پردازند، در حالی که مقالات فارسی زبان بیشتر بر جنبه‌های کیفی و اجتماعی تأثیر تورم بر خانواده‌های ایرانی، از جمله اثرات آن بر روابط و سلامت خانواده، تمرکز کرده‌اند.

ادبیات پژوهش

نظریه نظم در سطح خرد چلبی

چلبی در نظریه نظم در سطح خرد، دو عنصر اساسی را برای شکل‌گیری جامعه مطرح می‌کند: فرد و تعامل. از دیدگاه تحلیلی، تعامل بالقوه دارای دو جنبه مهم است: جنبه ابزاری و جنبه اظهاری. در تعامل با جنبه صرفاً ابزاری، فرد و تعامل برای کنشگر جنبه کاملاً ابزاری دارد. اما در جنبه اظهاری، خودِ تعامل برای فرد ارزش ذاتی و مصرفی دارد؛ یعنی تعامل، هدف محسوب می‌شود نه وسیله. به باور چلبی، همین تعامل اظهاری است که منجر به شکل‌گیری «ما»، اجتماع یا گروه اجتماعی می‌شود. چلبی بیان می‌کند که ترکیب دو عنصر فرد و تعاملات میان افراد، نظم را در سطح خرد پدید می‌آورد. او با استفاده از چارچوب آجیل پارسونز، توضیح می‌دهد که با شکل‌گیری «ما»، نوعی نظم اجتماعی خرد به وجود می‌آید. این نظم اجتماعی، همزمان شامل افراد، تعاملات و گروه «ما» است و در چهار بُعد همبختی، همگامی، همدلی و همفکری قابل تفکیک است (*Chalabi, 1996:16-17*).

از نظر چلبی مراد از همبختی، اقبال و سرنوشت مشترک است. منظور از سرنوشت مشترک (یا خطر مشترک)، میزان نیاز متقابل افراد به همکاری و تلاش جمعی در زمینه‌های مختلف است. اگر مسئله همبختی مشترک در نظم اجتماعی حل نشود، سه عنصر اصلی یعنی شخصیت (فرد)، تعامل و «ما» به‌طور عمده دچار ضعف و اختلال می‌شوند (*Chalabi,*

1996:21-22; Eskafi & Masoudi, 2016:70). در بعد همگامی چلبی معتقد افراد علاوه بر داشتن منافع مشترک، به‌طور نسبی و بالقوه دارای منافع متضاد نیز هستند، به‌ویژه در شرایط کمیابی منابع. بنابراین، برای جلوگیری از بروز و تشدید تضاد منافع، لازم است راه‌حلی یافت شود که از طریق سازش بیرونی، به نوعی وحدت عمل و همگامی مشترک دست یابند (*Chalabi, 1996:20; Chalabi & Rasoulzadeh Aghdam, 2002:36-37*). از دیدگاه چلبی، بعد همفکری به معنای درک و ارزشیابی مشترک و نسبی است، و بعد همدلی متقابل به احساس تعلق مشترک اشاره دارد. در واقع، اساس و جوهر «ما» به تعلق افراد به یکدیگر و به گروه «ما» بستگی دارد. فقدان حداقل میزان همدلی و احساس تعلق مشترک به معنای نبود «ما» و فروپاشی آن به مجموعه‌ای از «من‌ها» است. به‌عبارت دیگر، اعضای خانواده باید در مواجهه با مشکلات، همدلی داشته باشند و همچنین در زمینه حل این مسائل با یکدیگر مشورت و همفکری کنند (*Chalabi, 1996:20; Chalabi & Rasoulzadeh Aghdam, 2002:37; Eskafi & Masoudi, 2016:69*).

نهاد خانواده

خانواده به‌عنوان یکی از قدیمی‌ترین و پایدارترین نهادهای اجتماعی بشری، همواره محور توجه رشته‌های مختلف علوم انسانی از جمله جامعه‌شناسی، انسان‌شناسی، روانشناسی، و تاریخ بوده است (*Bau & Fernandez, 2021*). با این حال، تعریف این نهاد و کارکردهای آن در طول زمان و مکان دستخوش تغییرات چشمگیری شده است. بر اساس تعریف جامعه‌شناختی آنتونی گیدنز، خانواده به‌عنوان «گروهی از افراد متصل به هم از طریق پیوندهای خویشاوندی، همکاری اقتصادی، و مسئولیت‌های مشترک در پرورش فرزندان» شناخته می‌شود که نقش کلیدی در انتقال ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی سازی افراد ایفا می‌کند (*Giddens, 2017:158*). این تعریف بر پایه ساختارهای سنتی خانواده‌های هسته‌ای (پدر، مادر، فرزندان) استوار است. از منظر انسان‌شناسی، جورج پی. مورداک خانواده را یک واحد اجتماعی جهانی معرفی می‌کند که شامل حداقل دو بزرگسال از هر دو جنس (زن و مرد) است که رابطه جنسی مورد تأیید جامعه را حفظ می‌کنند و فرزندان خود را در یک محیط مشترک پرورش می‌دهند که چهار کارکرد اصلی دارد: تنظیم روابط جنسی، تولیدمثل، همکاری اقتصادی، و آموزش هنجارهای اجتماعی (*Murdock, 1949:1*).

در روانشناسی، خانواده به‌عنوان یک سیستم پویا و تعاملی تعریف می‌شود که اعضای آن از طریق الگوهای ارتباطی، نقش‌ها، و قواعد نانوشته به یکدیگر مرتبط هستند. این سیستم نه

تنها بر رفتار فردی تأثیر می‌گذارد، بلکه از طریق فرآیندهای درونی مانند همبستگی عاطفی، حل تعارض، و تنظیم مرزها، هویت جمعی خانواده را شکل می‌دهد (*Goldenberg & Goldenberg, 2008:5-6*).

خانواده در چارچوب مفاهیم اسلامی و قرآن کریم، نهادی اجتماعی است که هدف اصلی آن تأمین سلامت روانی اعضا (زن و شوهر، والدین و فرزندان) و آماده‌سازی آنان برای مواجهه با چالش‌ها و پدیده‌های اجتماعی است (*Sadr Tabatabaei & Hosseini, 2001:132*). با این حال، در تعریفی گسترده‌تر، اسلام خانواده را گروهی متشکل از افراد، دارای شخصیت مدنی، حقوقی و معنوی معرفی می‌کند که هسته اولیه آن را ازدواج مشروع زن و مردی که با اهداف و منافع مشترک تشکیل می‌دهد که پس آن طرفین دارای وظایف و حقوق جدید می‌شوند (*Soltani Shayan, 2023:116*).

Hasty & et. al (2022) در کتاب انسان‌شناسی خود بر این باورند که خانواده‌ها در جوامع مختلف از نظر ساختار، کارکرد، و تعریف فرهنگی تفاوت چشمگیری دارند و همواره با تغییرات اجتماعی و اقتصادی سازگار می‌شوند (*Hasty & et. al, 2022:342-343*). همان گونه که استفانی کونتز (۲۰۰۵) در تحلیل تاریخی خود نشان داد که خانواده‌ها همواره متناسب با نیازهای اقتصادی، فرهنگی، و سیاسی جوامع تغییر شکل داده‌اند و نمی‌توان تعریف ثابتی از آن ارائه داد. کونتز معتقد است ساختارهای تک‌همسری، چندهمسری، یا خانواده‌های گسترده نمونه‌هایی از این تنوع هستند (*Coontz, 2005:6*).

روش‌شناسی پژوهش

این مطالعه با اتکا بر روش شناسی کیفی و به‌کارگیری روش تحلیل محتوای کیفی (رویکرد عرفی) انجام شده است. تحلیل محتوای کیفی، به‌عنوان یک رویکرد تفسیری، از طریق کدگذاری نظام‌مند، دسته‌بندی داده‌ها و استخراج تم‌های کلیدی، به واکاوی متون می‌پردازد. این روش به پژوهشگران اجازه می‌دهد تا با حفظ اصالت داده‌ها، برداشت‌های ذهنی خود را در چارچوبی علمی ارائه کنند. در این رویکرد، محققان فراتر از محتوای سطحی متون حرکت کرده و الگوهای آشکار یا پنهان موجود در داده‌ها را شناسایی می‌کنند. بر پایه دیدگاه شیء *Hsieh & Shannon (2005)*، تحلیل محتوا به سه دسته «عرفی»، «جهت‌دار» و «تلخیصی» تقسیم می‌شود (*Iman & Noushadi, 2011*). در این پژوهش، رویکرد عرفی (استقرایی) انتخاب شد. این رویکرد مناسب مطالعاتی است با هدف توصیف توضیح یک پدیده و ضعف در پیشینه نظری غنی. در این روش، محققان به جای استفاده از مقوله‌های از پیش

تعیین‌شده، مقوله‌ها و تم‌ها را مستقیماً از داده‌ها استخراج می‌کنند. فرایند تحلیل با درک محقق از داده‌ها آغاز می‌شود. این عمل باعث شکل گیری رمزها از متن داده‌های پژوهش می‌شود و سپس محقق بر پایه شباهت‌ها و تفاوت‌های رمزها آنها را مقوله‌بندی می‌کند. سپس مفهوم کلی که حاصل جمع‌بندی این مقوله‌هاست (تم) حاصل می‌آید (*Hsieh & Shannon, 2005:1279; Iman & Noushadi, 2011:22-24*). جامعه آماری این پژوهش شامل مجموعه توئیت‌های فارسی مرتبط با موضوع تورم است که در یک بازه زمانی یک‌ساله، از مرداد ۱۴۰۱ تا تیر ۱۴۰۲، در شبکه اجتماعی توئیتر منتشر شده‌اند. روش نمونه‌گیری در این پژوهش هدفمند است. بر اساس این روش، تمامی توئیت‌های مرتبط با تورم از بازه زمانی مرداد ۱۴۰۱ تا تیر ۱۴۰۲ به صورت هدفمند با استفاده از کلید واژه "تورم" با همکاری مؤسسه دانش‌بنیان لایف وب به تعداد ۲۹۲,۰۲۹ توئیت مرتبط با تورم از کاربران فارسی زبان جمع‌آوری شده است. در مرحله بعد، فرآیند کدگذاری آغاز شد. در این مرحله، پژوهشگران با استفاده از نرم‌افزار مکس کیودا ۲۰۱۸ به کشف کدها، دسته‌بندی آن‌ها و در نهایت، ساخت تم‌های اصلی پرداختند. تحلیل داده‌ها به صورت مداوم تا رسیدن به اشباع نظری (ماه ششم دی ماه ۱۴۰۱) ادامه یافت. اشباع نظری به مرحله از گردآوری داده‌های کیفی گفته می‌شود که داده‌های پژوهش برای پاسخ به سؤالات تحقیق کافی به نظر می‌رسند و پس از آن اطلاعات جمع‌آوری شده مشابه و تکراری می‌شوند (*Strauss & Corbin, 1998:292*). در نهایت، ۱۱۶ توئیت انتخاب، کدگذاری و مقوله‌بندی شد و تم‌های مرتبط با موضوع تورم استخراج گردید. برای اطمینان از صحت نتایج و تجزیه و تحلیل مناسب، پژوهشگران فرایند کدگذاری و تم‌سازی را یک ماه دیگر (بهمن ماه ۱۴۰۱)، تکرار نمودند تا اینکه مجدد داده‌های جدید تغییری در یافته‌ها ایجاد نشد و پژوهش به کفایت نظری رسید. واحد تحلیل در این پژوهش، «جمله‌های کاربران» و واحد ثبت، «مضامین استخراج شده از محتوا» بودند. در نهایت برای ارتقای اعتبار و اعتمادپذیری، فرایند جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها با دقت و به‌طور سیستماتیک انجام شد تا تحلیل‌ها به درستی با موضوع تحقیق هم‌راستا باشند. همچنین، با استفاده از کدگذاری توافقی و بازبینی دقیق مقولات، داده‌ها و نتایج حاصل از تحلیل‌ها مورد تأیید قرار گرفتند. این فرایند شامل بازبینی مجدد کدگذاری‌ها توسط دو کدگذار با تجربه بود تا از صحت و ثبات نتایج اطمینان حاصل شود. تمامی این اقدامات به‌منظور تضمین قابلیت تعمیم‌یافته‌ها به موقعیت‌های مشابه و افزایش اعتبار نتایج صورت پذیرفت.

یافته‌های پژوهش

با بررسی داده‌های به‌دست آمده از مرحله اول کدگذاری (کدهای اولیه) مفاهیمی به دست آمد که در جداول ۱ و ۲ نشان داده شده است. این مفاهیم بیانگر درک پیامدهای خانوادگی کاربران ایرانی توئیتر از تورم اقتصادی است. بعد از این مرحله، مفاهیم مشابه و نزدیک به هم از نظر معنایی در قالب مقوله‌های فرعی طبقه‌بندی شد. مرحله سوم کدگذاری، یعنی تم‌سازی، فرایند مرتبط کردن مقوله‌ها به مقوله هاست که مقوله‌ها در سطح ویژگی‌ها و ابعاد به هم مرتبط شدند. در مجموع کد فرایند کدگذاری ۲ تم نهایی تحت عناوین بی‌نظمی و تضاد در خانواده ایرانی و مخاطرات خانوادگی استخراج شد.

جدول ۱: مضامین و مقولات بی نظمی و تضاد در خانواده ایرانی

Table 1: *Themes and Categories of Disorder and Conflict in the Iranian Family*

دسته‌بندی پژوهش			
Research Category			
پیامدهای خانوادگی تورم			
تم اصلی			
Main Theme			
بی‌نظمی و تضاد در خانواده ایرانی			
مقولات فرعی			
Subcategories			
تضعیف همبختی	تضعیف همگامی	تضعیف همفکری	تضعیف همدلی
مفاهیم یا کد اولیه	مفاهیم یا کد اولیه	مفاهیم یا کد اولیه	مفاهیم یا کد اولیه
از دست رفتن آینده زندگی خانوادگی مشترک (۶)	رشد طلاق زوجین (۵)	خشم و ناراحتی در بین اعضای خانواده در تأمین مسکن آبرومند	عدم درک زوجین از یکدیگر و افزایش اختلافات خانوادگی
عدم تشکیل یا دوام خانواده		یأس و ناامیدی از بهبود زیستگاه خانواده	

* اعداد داخل پرانتز در جدول تعداد توئیت‌های مرتبط با آن مفهوم هستند که معانی مشابهی دارند و در این کداولیه و مفهوم قرار می‌گیرند.

بی‌نظمی و تضاد در خانواده: بی‌نظمی و تضاد در خانواده به وضعیتی اشاره دارد که در آن، افزایش افسارگسیخته قیمت‌ها، الگوهای رفتاری، قوانین، انتظارات و ارزش‌های حاکم بر

خانواده ایرانی را مختل کرده و منجر به ایجاد تنش‌ها، کاهش اهداف مشترک، اختلافات، بی‌ثباتی در روابط و عدم هماهنگی بین اعضای خانواده شده است.

مقولات فرعی این تم عبارتند از: تضعیف همبختی، تضعیف همگامی، تضعیف همفکری و تضعیف همدلی.

تضعیف همبختی: تضعیف همبختی در خانواده ایرانی، حاکی از وضعیتی است که در آن، تورمِ مزمن، مایه تقلیلِ نفع و اقبال مشترک میان زوجین و فرزندان می‌شود. نفع مشترک، به معنای اشتراک در آرمان‌ها و غایت‌هایی است که اعضای خانواده، با همدلی و همکاری در مسیر تحقق آن گام برمی‌دارند. از بنیادی‌ترین معیارهای همبختی، باورِ ژرفِ زوجین به قداست پیوند زناشویی و پایداری آن، همراه با کوششِ بی‌وقفه برای استواریِ این نهاد است. زندگی مشترک و تداوم آن، زوجین را در گِردِ محورِ همبختی، به همکاری و هم‌آوایی فرا می‌خواند؛ اما تورمِ فزاینده و دیرپای ایران، این همدلی را به سستی کشانده و چه‌بسا رشته پیوند زناشویی را در خانواده ایرانی از هم می‌گسلد.

"تفسیر به رأی نکنید به حکم این قانون خیلی از مسئولین هم باید اعلام بشن.

اونهایی که به‌خاطر بی‌لیاقتی باعث از هم پاشیده شده خیلی از خانواده‌ها به خاطر مسائل اقتصادی، تورم و... شدند".

"الان تو این تورم و بیکاری و بی‌آیندگی ... نه خانواده‌ای میتونی تشکیل بشه نه بمونه حالا دیکتاتوری و تحمیل عقاید و تجاوز در زندان و تعرض دشمنان در لباس مأمور به معترضین و اختلاس و دزدی رانت و باند و ... و تخریب روحیه مردم و ... عدم امنیت اشتغال کفاف ندادن درآمد ... و هم بهش اضافه کن".

تضعیف همگامی: تضعیف همگامی در خانواده ایرانی بیانگر وضعیتی است که در آن تورم مزمن به‌عنوان یک متغیر کلان اقتصادی، موجب اختلال در همسویی و هماهنگی اعضای خانواده (زوجین و فرزندان) در فرایند مدیریت و رفع مشکلات مشترک شده است. فشارهای ناشی از تورم، سوگیری موافق و همگرایی نقش‌ها را در نظام خانواده تضعیف می‌کند، به‌طوری که اعضا به جای حرکت در مسیری همسو و مبتنی بر همکاری، در چارچوبی پراکنده و غیر هماهنگ عمل می‌نمایند.

"اجاره‌بها در دوران وزارت تا ۱۲۰٪ افزایش یافت و خانواده ایرانی زیر بار این تورم له شد، بسیاری طلاق گرفتند یا پاشیدند. این آقا هم دو هفته یکبار به شکل استهزاآمیزی توصیه می‌کرد که افزایش‌ها نباید بیش از ۲۵٪ باشد".

"تا دو سال پیش به ۸۰ خانم کار می‌دادم تو خونه برامون می‌دوختند میاوردن. امروز برای کرایه خونه‌ام موندم این چرخ فلک چی کار می‌کنه با زندگی.

خدا لعنتت کنه روحانی که کارگاهم رو به نابودی کشوندی با تورم و گرانی سال ۹۶ و ۹۸ خدا لعنتت کنه کمرمو شکستی که حتی همسرم هم گذاشت رفت طاقت نیاورد".

تضعیف همدلی: کاهش همدلی در خانواده‌های ایرانی به وضعیتی اشاره دارد که فشارهای ناشی از تورم و مشکلات اقتصادی، توانایی اعضای خانواده برای همراهی و درک متقابل در مواجهه با چالش‌های زندگی را تضعیف کرده است. در چنین شرایطی، اعضا نه تنها در تقسیم بار مشکلات با یکدیگر همکاری نمی‌کنند، بلکه ناتوانی در شناخت نیازها و دغدغه‌های طرفین، به شکل‌گیری شکاف‌های عاطفی و تشدید اختلافات درون خانوادگی منجر می‌شود. این وضعیت، با ایجاد فضایی آکنده از بی اعتمادی و ناهماهنگی، بنیان روابط خانوادگی را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

۶۷ درصد تورم؛ این عدد فقط تورم نیست. این سرشکستگی پدر مادرها هستش. افزایش دعواهای خانوادگی، قطع رابطه با اقوام به‌خاطر فقر، افزایش کودکان و زنان زباله‌گرد، افزایش اعتیاد و سرخوردگی افزایش سقط جنین ... فقر دنیای تاریکی هستش".

"تمام بدبختی ما از این رانت‌ها پولشویی‌ها و ابر بدهکار است که مردم درک نمیکنن. همین فروش ارز، باعث بیکاری، گرفتاری میلیون‌ها نفر شد. با گرانی دلار و تورم در جامعه، حتی میشه گفت، دعوای زن و شوهر و نفاق و طلاق هم به این حروم لقمه‌ها ربط دارد. این یه مثال کوچیک برای فهمش بود".

تضعیف همفکری: کاهش همفکری در خانواده‌های ایرانی حاکی از شرایطی است که تورم مزمن و پیامدهای اقتصادی ناشی از آن، همکاری و مشورت اعضا برای رفع چالش‌های زندگی را تحت تأثیر قرار داده است. در این وضعیت، اختلال در فرآیند تصمیم‌گیری جمعی و ناتوانی در هماهنگی برای حل مسائل، به جای تقویت همبستگی، به بروز احساسات منفی مانند خشم و ناکامی منجر شده است. این مسئله نه تنها حل مشکلات را دشوارتر می‌سازد، بلکه با ایجاد شکاف در ارتباطات، بستری برای تشدید تنش‌های عاطفی و اختلافات درون خانوادگی فراهم می‌کند.

"ای کاش در بنگاه‌های املاک دوربین بود تا متوجه شوید تورم در بخش مسکن و اجاره چگونه در میان خانوارها یأس و ناامیدی و ناراحتی و خشم و عصبانیت از وضعیت اقتصادی ایجاد می‌کند.

خداحافظی با آرزوی خانه‌دار شدن و اجاره یک خانه در محلی آبرومند فشار عصبی زیادی به خانوار تحمیل می‌کند".

"خونه بدوشی‌های نیمی از هموطنانم وقتی تموم میشه که نرخ تورم به یاد زیر ۵ درصد و حداقل برای بیست سال زیر همین ۵ درصد بمونه تا زیان‌های ناشی از تورم گذشته جبران بشه. الان نرخ تورم ۴۰ درصده و داره خونواده‌ها رو از نظر اقتصادی و روانی خرد می‌کنه".

جدول ۲: مضامین و مقولات مخاطرات خانوادگی

Table 2: *Themes and Categories of Family Vulnerabilities*

دسته‌بندی پژوهش								
Research Category								
پیامدهای خانوادگی تورم								
تم اصلی								
Main Theme								
مخاطرات خانوادگی								
مقولات فرعی								
Subcategories								
بحران معیشت	چالش تولید مثل	خلق ارزش‌های جدید در خانواده ایرانی	کاهش بهزیستی کودکان			کاهش امنیت مالی		
زیر مقوله	زیر مقوله	زیر مقوله	زیر مقولات			زیر مقولات		
کاهش امنیت زیست مایه	کاهش ارزش فرزندآوری	گسترش ارزش‌های نوین	کاهش کیفیت آموزشی	کاهش رفاه اقتصادی	کاهش آرامش روانی	اشتغال اجباری هم‌گام	بحران تاب‌آوری مالی	بحران بی‌ثباتی آینده
مفاهیم اولیه	مفاهیم اولیه	مفاهیم اولیه	مفاهیم اولیه			مفاهیم یا کد اولیه		
کاهش اقلام مصرفی	عدم تمایل به عمل فرزندآوری زوجین(۱۲)	گسترش ازدواج سفید	افزایش ترک تحصیل	سوء تغذیه کودکان	تضعیف آرامش در فرزندان	ضرورت اشتغال زنان برای درآمد خانواده	از دست رفتن دارایی خانواده لحظه به لحظه (۱)	عدم امکان برنامه‌ریزی و سرمایه‌گذا ری برای آینده (۴)

دسته‌بندی پژوهش								
Research Category								
پیامدهای خانوادگی تورم								
تم اصلی								
Main Theme								
مخاطرات خانوادگی								
مقولات فرعی								
Subcategories								
عدم تأمین مایحتاج ماهیانه	رشد هزینه‌های فرزندآوری (۲)	افزایش سقط جنین	نارضایتی از افزایش شهریه مدارس فرزندان (۱)	کاهش کیفیت تغذیه فرزندان	کاهش تفریحات و سرگرمی	اشتغال هم زمان زوجین (۲)	کاهش مدیریت اقتصادی زندگی	ترجیح آینده‌نگری کوتاه‌مدت
درماندگی تأمین معیشت	حسرت بچه دارشدن		گرانی لوازم تحریر فرزندان	عدم تأمین نیازهای فرزندان		تمایل به ازدواج با زن شاغل	فروپاشی اقتصادی خانواده	
	کاهش علاقه به فرزندآوری مجدد					دو شیفت کار کردن (۱)	کاهش قدرت خرید مسکن	

مخاطرات خانوادگی: از دیدگاه کاربران ایرانی توئیتر، مخاطرات خانوادگی به مجموعه تنش‌ها، اختلالات، و آسیب‌هایی اشاره دارد که افزایش مداوم و سریع قیمت‌ها بر ساختار، روابط بین اعضا، سلامت روانی، وضعیت مالی و رفاه و کارکردهای خانواده تحمیل کرده است. این مخاطرات از طریق فشارهای مالی، روانی و اجتماعی امنیت و ثبات خانوده را تضعیف کرده و پیامدهای بلندمدتی برای اعضای خانواده ایرانی داشته است. به‌طور کلی، مخاطرات خانوادگی باعث ایجاد اختلال در عملکرد خانواده و کاهش کیفیت روابط بین اعضا شده است.

مقولات فرعی این تم عبارتند از: بحران معیشت، چالش تولید مثل، خلق سازگاری نوین در خانواده ایرانی، کاهش بهزیستی کودکان، کاهش امنیت مالی.

بحران معیشت: بحران معیشت خانواده ناشی به وضعیتی اشاره دارد که افزایش سریع و بی ثبات قیمت کالاها، توانایی خانوارها را برای تأمین نیازهای اولیه خود به‌شدت کاهش می‌دهد. وقتی نرخ تورم از رشد درآمدهای خانوارها پیشی می‌گیرد، خانواده‌ها با مشکلات جدی در تأمین هزینه‌های ضروری مانند غذا، مسکن، بهداشت، آموزش و حمل ونقل مواجه می‌شوند.

"اثرات تورم رو تو خریدای ناقص بابام می‌تونم ببینم".

والا من که دیگه توان شبکاری ندارم، دیگه مثل جوانی‌هام نمی‌تونم شیفت بیام، توان کمی هزینه برا زندگیم ندارم، هرچی حقوق می‌گیرم صدقه‌سر این تورم فزاینده، فقط خرج خوراک میشه.

یه کاپشن برا پسرم قیمت کردم ۱.۶ میلیون، یه کفش ۰.۵ میلیون".

"من رقم‌ها رو می‌بینم ... دوباره چک می‌کنم.

داستان فیلترینگ یه طرف: داستان این تورم که باعث می‌شه دوباره یکسری دست به حذف اقلام روزانه بزنند یک‌طرف.

سرانه خرید مواد اساسی خیلی اومده پایین؛ این یعنی فاجعه؛ برنج با سیب‌زمینی و ماکارونی جایگزین شده".

چالش تولید مثل: چالش تولید مثل به وضعیتی اشاره دارد که در آن افزایش هزینه‌های فرزندان ناشی از تورم، تمایل افراد و زوج‌های ایرانی را به داشتن فرزند یا فرزندآوری مجدد کاهش داده است.

"دشمن غلط بکند بتواند به‌اندازه مسئولان محترم، جوانان را از فرزندآوری منصرف کند. با دلار ۴۲ هزار و تورم بالای چهل درصد، توقع دارید نرخ فرزندآوری صعود کند؟ جوانی که به اندازه یک قبر پول زمین ندارد، چگونه ازدواج کند، بچه هم بیاورد؟ و خداوند فرمود تفکر کنید".

"حاج خانوم به ظاهر محترم یه سؤال از شما دارم به نظرتون نرخ بیکاری چقده؟ نرخ تورم چقده؟ منی که یه بچه دارم باید خدا خدا کنم دو تا نشن دلیلش میدونی چیه چون توان خرید شیرخشک رو ندارم، مستأجرم، گوشت کیلویی یک میلیون و صد و شصت هزار تومن با کدوم درآمد اینم که میگید".

خلق ارزش‌های جدید در خانواده ایرانی: خلق ارزش‌های نوین، به پدیده‌ای اشاره دارد که در آن افراد به‌جای پایبندی به هنجارهای سنتیِ پیشین خانواده، به ایده‌ها و رفتارهایی گرایش می‌یابند که در تقابل با این باورهای گذشته قرار می‌گیرند. تورم با افزایش هزینه‌های

مرتبط با ازدواج رسمی (مهریه، مراسم و جهیزیه) باعث شده است برخی زوجین، به دلایلی همچون محدودیت مالی، بی‌میلی به پذیرش بار اقتصادی سنگین، یا ترس از ناتوانی در تأمین هزینه‌های فرزندآوری، مسکن و حفظ ثبات شغلی، گزینه‌هایی مانند «ازدواج سفید» و سقط جنین را به‌عنوان راهکارهایی متناسب با شرایط بحرانی کنونی برگزینند. این انتخاب‌ها، هر چند در تعارض با ارزش‌های سنتی جامعه ایرانی قرار دارد، در بستر فشارهای اقتصادیِ امروز، به مرور به‌عنوان «ارزش‌های جایگزین» در حال عادی‌سازی هستند.

"نکته بعدی میدونی چیه نصف دهه ۶۰ دخترها مجردن و زندگی ازدواج سفید دارن و پارتنری و یا بچه نامشروع بعضی‌هاشون بی‌شناسنامه. آسیب اجتماعی تورم یک دهه اخیر این‌قدر بالا بود که طبقه اجتماعی داغون کردن یا بچه نمی‌خوان یا درست تربیتش نمیکنن و اکثراً مادران مجرد این قسمت زنان سرپرست خانوار".

"من که نمی‌گم نیست و وجود نداره می‌گم ربطی به حجاب نداره، چون در کشور خودمون هم آمار پایین نیست، اینا به سبک زندگی، تورم و فرهنگ و ... ربط دارد، مثلاً در کشور خودمون اگر این تورم نبود جوان ازدواج می‌کرد و ازدواج سفید و سیاه و یا طلاق‌ها به خاطر وضعیت معیشت داغون نمی‌شد و ..."

۶۷ درصد تورم؛ این عدد فقط تورم نیست این سرشکستگی پدر مادرها هستش افزایش دعواهای خانوادگی قطع رابطه با اقوام به‌خاطر فقر افزایش کودکان و زنان زباله‌گرد افزایش اعتیاد و سرخوردگی افزایش سقط‌جنین ... فقر دنیای تاریکی هستش".

کاهش بهزیستی کودکان: کاهش بهزیستی کودکان به تأثیرات منفی افزایش قیمت‌ها بر سلامت جسمی، روانی، آموزشی، و اجتماعی کودکان اشاره دارد. تورم اقتصادی با کاهش قدرت خرید خانواده‌ها به‌ویژه در خانواده‌های کم‌درآمد و آسیب‌پذیر دسترسی کودکان به منابع ضروری برای رشد و توسعه سالم را محدود می‌کند و امنیت پایه‌ای آنها را تهدید می‌نماید. زیرا سهم بزرگی از درآمد آنها صرف هزینه‌های اولیه مانند غذا و مسکن می‌شود و منابعی برای نیازهای اساسی کودکان باقی نمی‌گذارد.

"خدا می‌داند تورم افسارگسیخته وگرانی. چگونه با کاستن از کیفیت تغذیه، تفریح، آموزش و آرامش بچه‌های ما چه خواهد کرد. کودکانمان که اکنون باید تنها به فکر بازی و مدرسه باشند کدام با موضوع پول و نبودنش و کم بودنش مواجه‌اند. فقر اقتصادی باعث فقر آموزشی می‌شود و این یعنی نسل بعدی از ما گرفتارتر است".

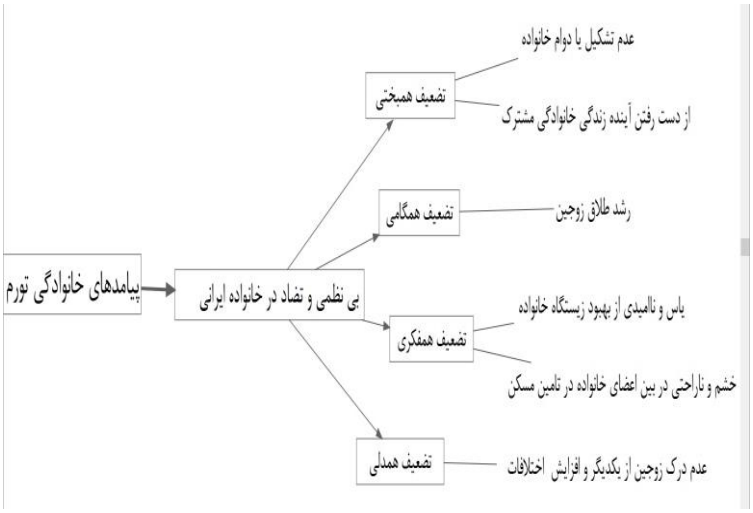
"در آستانه سال تحصیلی جدید با هزینه‌های فوق‌العاده عجیب تحصیل مواجه هستیم. از قیمت‌های سر به فلک کشیده نوشت‌افزار تا شهریه هشت میلیون تومانی سرویس ایاب و

ذهاب!! خانواده‌ها با تورم و درآمدهای پایین چگونه هزینه تحصیل فرزندان خود را تأمین کنند؟ "

کاهش امنیت مالی: کاهش امنیت مالی خانواده به‌معنای از دست رفتن توانایی خانواده ایرانی در تأمین پایدار نیازهای مالی فعلی و آینده به‌دلیل افزایش سریع و مداوم قیمت‌ها است. به‌عبارت دیگر، درآمد خانواده ایرانی همگام با رشد هزینه‌ها افزایش نیافته، لذا موجب اشتغال اجباری زنان برای تطبیق با شرایط تورم، ناتوانی در برنامه‌ریزی بلندمدت، کاهش توان اقتصادی و احساس ناامنی نسبت به آینده شده است.

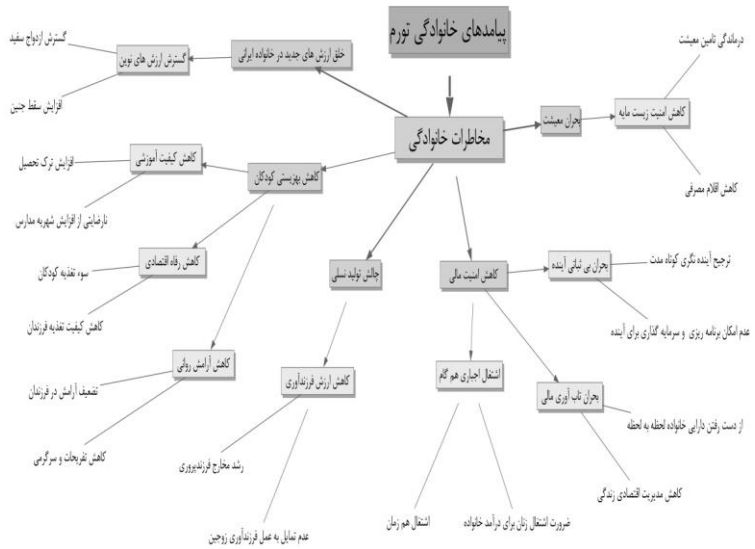
"فکر می‌کنم علتش آینه اقتصاد ایران بیمار و تورم‌زا هستش و باعث می‌شه غیر قابل برنامه‌ریزی باشه یعنی هیچ‌وقت با یک درآمد ثابت در ایران نمی‌تونی برای سال آینده برنامه‌ریزی کنی ولی اروپا اقتصاد سالمی داره و قابل برنامه‌ریزی برای آینده هستش".

"کارگر و کارمند در ایران امروز یعنی زندگی فلاکت‌بار، تورم و کاهش ارزش پول ملی کمر این اقشار را خرد کرده زوج‌های جوان باید هر دو شاغل با شن تا بتونن مخارج زندگی حداقلی را تأمین کنن".



شکل ۱: نمودار تم بی‌نظمی و تضاد در خانواده ایرانی

Figure 1: *Diagram of the Theme of Disorder and Conflict in the Iranian Family*



شکل ۲: نمودار تم مخاطرات خانوادگی

Figure 2: *Family Risk Theme Diagram*

بحث و نتیجه‌گیری

تورم، به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های اقتصادی در ایران، تأثیرات عمیق و گسترده‌ای بر زندگی خانوادگی ایرانیان دارد و به موضوعی داغ و جدی در شبکه‌های اجتماعی، به‌ویژه توئیتر، تبدیل شده است. این مطالعه با استفاده از روش کیفی با رویکرد عرفی یا قراردادی شیء یه و شانون (۲۰۰۵)، به تحلیل پیامدهای خانوادگی تورم از دید کاربران ایرانی در توئیتر پرداخته است. در طی مراحل پژوهش ۱۱۶ توئیت مرتبط با پیامدهای خانوادگی ایرانیان انتخاب، کدگذاری و مقوله‌بندی شد و تم‌های مرتبط با موضوع تورم استخراج گردید. یافته‌های پژوهش در ۲ مقوله اصلی و ۹ مقوله فرعی طبقه‌بندی شدند. مقولات اصلی پیامدهای خانوادگی تورم از نظر کاربران ایرانی توئیتر را بی نظمی و تضاد در خانواده و مخاطرات خانوادگی تشکیل دادند. با توجه به تحلیل محتوای توئیت‌های کاربران ایرانی در توئیتر، مقوله اول "بی‌نظمی و تضاد" است. بی‌نظمی و تضاد در خانواده ایرانیان ناشی از تورم، به پدیده‌ای تبدیل شده که کاربران ایرانی از آن به‌عنوان یکی از مهم‌ترین آثار بحران اقتصادی یاد می‌کنند. یکی از ابعاد مهم این مقوله، تضعیف همبختی در خانواده ایرانی است. از دیدگاه کاربران ایرانی، تورم به عاملی تعیین‌کننده در کاهش اشتراکات عاطفی و

آرمان‌های مشترک میان اعضای خانواده تبدیل شده است. مفهوم «زندگی مشترک مادام‌العمر» که زمانی به‌عنوان آرمان اصلی زوجین جوان مطرح بود، اکنون تحت تأثیر فشارهای اقتصادی روزافزون به چالشی بزرگ بدل گشته است. مطالعاتی مانند پژوهش فرزانگان و فریدونی قلی‌پور (۲۰۱۶) و گلدانی و زعفرانچی (۱۴۰۱)، نشان می‌دهند تورم ثبات روابط زناشویی و تمایل به حفظ زندگی مشترک را کاهش داده است. بعد دیگری از این بی‌نظمی و تضاد، «تضعیف همگامی» است. تورم مزمن موجب گسست در فرآیندهای تصمیم‌گیری جمعی و مدیریت مشکلات مشترک شده است. کاربران بر این باورند که ناتوانی در تأمین هزینه‌های اساسی مانند مسکن، آموزش و بهداشت، زوجین را به‌جای همکاری به سمت تقابل و در نهایت جدایی سوق می‌دهد. دلیری (۱۳۹۸) و بلوت و باسوغلو (۲۰۲۳)، نیز در پژوهش‌های خود بر ارتباط تورم با افزایش نرخ طلاق در ایران و ترکیه تأکید کرده‌اند. ابعادتضعیف همدلی و همفکری در خانواده ایرانی یکی دیگر از اثرات تورم اقتصادی بر خانواده ایرانی است. کاربران ایرانی، تورم اقتصادی را عامل اساسی در کاهش توانایی اعضای خانواده برای همراهی و درک متقابل در برابر مشکلات مختلف تعریف می‌کنند. از نظر آنان، تورم اقتصادی موجب کاهش فهم متقابل اعضای خانواده ایرانی از یکدیگر شده و همفکری و مشورت را به‌عنوان راه حل برون رفت مشکلات خانواده تضعیف کرده است. در این شرایط، اختلافات درونی اعضای خانواده و بروز احساساتی مثل خشم و ناراحتی از مهم‌ترین مصادیق بی‌نظمی و اختلال در خانواده ایرانیان است. در همین زمینه، پژوهش ابراهیمی لویه و همکاران (۱۳۹۲)، نشان‌می‌دهد که مشکلات اقتصادی به شکل‌گیری اختلافات خانوادگی مزمن و ناسازگاری‌های مداوم منجر شده است. همچنین، این یافته با نتایج تحقیقات بین‌المللی رأس و همکاران (۲۰۲۱) و رحمان (۲۰۲۴)، همسو است که فشارهای مالی را عاملی کلیدی در افزایش تعارضات خانوادگی معرفی می‌کنند. چنین تحولاتی بیانگر آن است که تورم با تبدیل همکاری به تقابل، مکانیزم‌های انطباقی خانواده‌های ایرانی را مختل ساخته است.

مقوله دوم این پژوهش، مخاطرات خانوادگی، به مجموعه تنش‌ها، اختلالات، و آسیب‌های تحمیلی تورم بر ساختار، روابط بین اعضا، سلامت روانی، وضعیت مالی و رفاه و کارکردهای خانواده اشاره دارد. از نظر کاربران ایرانی، تورم اقتصادی خانواده ایرانی را در حوزه‌های مختلف مورد تهدید قرار داده و پایداری و ثبات خانواده را خدشه‌دار کرده است. اولین بعد مخاطره‌آمیز تورم بر خانواده ایرانی بحران معیشت پایدار و مناسب است. به نظر آنان، زیست مایه خانواده ایرانی در طول دوره تورم به‌دلیل کاهش قدرت خرید دستخوش تغییرات زیادی در بعد مواد

غذایی و اقلام بهداشتی قرار گرفته و روز به روز حجم مواد مصرفی کاهش یافته است. این مطلب در پژوهش عبدی سیدکلایی و همکاران (۱۴۰۳) در بررسی هزینه‌های رفاهی تورم در ایران نشان داد که تورم در هر سطحی موجب کاهش رفاه جامعه ایرانی شده است. علاوه بر این، پژوهش رائدصلاح‌الدین و سیهام داوود (۲۰۲۴)، نیز نتایج نشان داد که تورم اقتصادی خانواده‌های کم‌درآمد عراقی را با چالش‌های قابل‌توجهی در تأمین نیازهای اساسی رو به رو کرده است. پیامد مخرب دیگر تورم بر خانواده‌های ایرانی مسئله کاهش میزان فرزندآوری است. تصمیم‌گیری در مورد فرزندآوری یکی موضوعات مهم زندگی زوجین محسوب می‌شود که تحت تاثیر عواملی مانند سلامت، وضعیت اقتصادی، رفاه و فرهنگ خانواده قرار دارد (*Jahangiri & et. al, 2014: 86-87*). کاربران ایرانی بر این باورند که محاسبات اقتصادی جایگزین ارزش‌های فرهنگی در تصمیمات مرتبط با فرزندآوری شده است. کاهش توانایی زوجین در پوشش دادن هزینه مرتبط با فرزند، آنان را به‌طرف عدم فرزندآوری یا عدم تمایل به فرزندان دیگر سوق داده است. پدیده تک‌فرزندی یا بدون فرزندی از ظهور «عقلانیت ابزاری» در تصمیمات مرتبط با فرزندآوری حکایت دارد. در تأیید این مطلب، نتایج پژوهش شمس قهفرخی و همکاران (۱۴۰۱)، حاکی از آن است که ناامنی و هراس‌های اقتصادی موجب کاهش فرزندآوری در ایران شده است و این مسئله را درگیر محاسبات مبتنی بر عقلانی بودن ابزاری نموده است. در میان تحقیقات خارجی پژوهش *Mondal & et. al (2024)* نتایج نشان داد که تورم اقتصادی موجب کاهش میزان باروری و فرزندآوری در خانواده‌ها شده است. در میان پیامدهای خانوادگی گسترش ازدواج سفید و سقط جنین در خانواده ایرانی نشان از تحلیل رفتن ارزش‌های ایرانی ـ اسلامی در جامعه است. این مسئله از نگاه کاربران ایرانی بیانگر این است که تورم با تضعیف توانایی افراد در تشکیل خانواده ناشی از هزینه‌های سرسام‌آور آن، جوانان را به سمت اشکال جدیدی از هم زیستی و هم نوایی بدون تعهد رسمی که متضاد با ارزش‌های مطلوب جامعه و خانواده ایرانی است سوق داده است. در هم سویی با این مسئله، نتایج پژوهش سهراب‌زاده و همکاران (۱۳۹۶)، نشان داد شرایط و مشکلات اقتصادی از مهمترین دلایل گرایش به‌سوی ازدواج سفید در ایران بوده است. همچنین نتایج پژوهش آزاد داوری و حبیب‌پور گتابی (۱۴۰۲)، بیان‌گر این است که آینده‌نگری اقتصادی از نظر افراد یکی از عوامل شکل‌گیری سقط جنین بوده است. در میان پژوهش‌های خارجی نیز نتایج تحقیق *Gonzalez & Quast (2022)* ارتباط معنی‌داری بین نوسانات اقتصادی مانند بیکاری با مسئله سقط جنین در آمریکا را نشان می‌دهد. از سوی دیگر، کودکان ایرانی به‌عنوان قربانیان خاموش تورم با کاهش بهزیستی مواجه‌اند که یکی از

پیامدهای خانوادگی جدی محسوب می‌شود. از نظر کاربران ایرانی، تورم با تحت تأثیر قرار دادن سه حوزه آموزش، رفاه و آرامش روانی کودکان ایرانی سرمایه انسانی ایران را مورد تهدید جدی قرار داده است. تضعیف موارد فوق، کودکان ایرانی را معرض انواع آسیب‌های جسمانی و روانی قرار داده و کیفیت نیروی انسانی در دهه‌های آینده به شدت می‌کاهد. کاهش کیفیت نیروی انسانی یک جامعه مسیر توسعه و پیشرفت جامعه را کند کرده و بستر مسائل اجتماعی مختلف را فراهم می‌کند. در همین زمینه، نتایج پژوهش سپهر دوست و ابراهیم‌نسب (۱۳۹۴)، حاکی از آن است که تورم با مرگ و میر کودکان ارتباط معنی دارد. در پژوهش‌های بین‌المللی نیز *Etang & et. al (2022)* گزارش کرده‌اند که تورم در حوزه مواد غذایی موجب کاهش حضور دختران سودانی در مدارس شده است. از منظر کاربران توئیتر در حوزه مسائل پولی نیز با کاهش امنیت مالی خانواده‌های ایرانی رو به رو هستیم که موجب از دست رفتن توانایی خانواده ایرانی در تأمین پایدار نیازهای مالی فعلی و آینده در شرایط تورمی ایران شده است. از نظر کاربران، تورم اقتصادی با از بین بردن سرمایه نقدی خانواده‌های ایرانی امکان برنامه‌ریزی بلند را از آنان سلب می‌کند و توانایی تأمین پایدار آینده خانواده دچار اختلال می‌شود. از سوی دیگر، بی‌ارزش شدن درآمد و سرمایه‌های مادی تأمین نیازهای فعلی خانواده را دچار چالش اساسی می‌کند. این شرایط، زنان و مردان را به اتخاذ سازوکارهای انطباقی مانند اشتغال چندگانه سوق داده که پیامدهایی مانند کاهش فرزندآوری زنان شاغل و تغییر اولویت‌های جوانان در انتخاب همسر را به‌همراه دارد. در هم راستایی با این مطلب، نتایج پژوهش‌های رحمانی و باقرپور اسکویی (۱۳۹۶) و علی (۱۹۹۰)، نشان داد که بین تورم و تأثیر بر پس‌انداز ایرانیان و پاکستانی‌ها رابطه معنی‌داری معکوس وجود دارد.

در مجموع می‌توان گفت تورم با هدف قرار دادن بنیان‌های مادی و عاطفی خانواده، چرخه‌ای از تنش، اختلال، و آسیب را ایجاد کرده است. فشارهای اقتصادی نه تنها صمیمیت و همکاری را به تعارض تبدیل نموده، بلکه کیفیت زندگی کودکان، ثبات روابط زناشویی، و حتی الگوهای فرهنگی مرتبط با ازدواج و فرزندآوری را دگرگون ساخته است. گسترش پدیده‌هایی مانند ازدواج سفید و سقط جنین، نشان‌دهنده تلاش خانواده‌ها برای بقا در شرایط سخت اقتصادی است. این یافته‌ها لزوم توجه سیاست‌گذاران به تأثیرات تورم بر ساختار خانواده و جامعه را آشکار می‌سازد. غفلت از این پیامدها می‌تواند نه تنها بنیان خانواده، بلکه سرمایه انسانی و اجتماعی آینده ایران را با مخاطرات جدی مواجه کند.

قدردانی

این مقاله از رساله دکتری جامعه‌شناسی تحت‌عنوان "تحلیل جامعه‌شناختی توئیت‌های کاربران ایرانی با مضمون تجربه تورم در زندگی روزمره" مصوب شده در دانشگاه شهید باهنر کرمان استخراج گردیده است. نویسندگان بر خود لازم می‌دانند مراتب تشکر صمیمانه خود را از تمام اعضای علمی گروه علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی که در تصویب و همکاری این طرح پژوهشی مشارکت داشتند، اعلام نمایند.

References:

Abdi Seyyedkalaei, M., Zarouki, Sh., & Mohaymeni, M. (2024). “Inflation tax and welfare in Iran's economy over five decades”, Economic Research Quarterly, 59(2), 179–203. (Persian).

Afrasiabi, H.; & Baharlooee, M. (2019). “Tightly lived world of aging: A qualitative study of the reflection of economic inflation in the daily lives of retirees”, Quarterly Journal of Social Development Welfare Planning, 10(40), 33–62. (Persian).

Ali, M. S. (1990). “Inflation and household savings: A case study of Pakistan, 1984–85”, Savings and Development, 14(1), 117–130.

Amibandeh Qarayi, H., Seyyedi, S. M., Mokhtari Torshizi, H., & Saleh Nia, N. (2023). “The relationship of unemployment, inflation”, and women's labor force participation with divorce trends in Iran. Social Welfare, 23(89), 9–44. (Persian).

Azadvari, E., & Habibpour Gatabi, K. (2023). “Abortion action: The conflict between fear and choice (A study on the contexts of voluntary abortion formation in Mashhad)”, Iranian Journal of Social Issues, 14(1), 151–183. (Persian).

Baharlooee, M., & Afrasiabi, H. (2022). “Inflation and situational living in Iranian society: A grounded theory study”, Economic Sociology and Development, 11(1), 31–57. (Persian).

Bau, N., & Fernández, R. (2021). The Family as a Social Institution .National Bureau of Economic Research,NBER Working Paper No. 28918.

Binetti, A., Nuzzi, F., & Stantcheva, S. (2024). People’s understanding of inflation. Journal of Monetary Economics, 148, 103652. https://doi.org/10.1016/j.jmoneco.2024.103652.

Bulut, E., & Başoğlu, A. (2023). “Boşanmanın Ekonomik Belirleyicileri: Türkiye Düzey 2 Bölgeleri Üzerine Panel Veri Analizi”, Bingöl Üniversitesi İktisadi Ve İdari Bilimler Fakültesi Dergisi, 7(1), 45-62. https://doi.org/10.33399/biibfad.1188605.

Chalabi, M. (1996). Sociology of Order: A Theoretical Explanation and Analysis of Social Order. Tehran: Ney Publishing. (Persian).

Chalabi, M., & Rasoulzadeh Aghdam, S. (2002). "The effects of family order and conflict on violence against children", Iranian Journal of Sociology, 4(3), 26–54. (Persian).

Coontz, S. (2005). Marriage, a history: From obedience to intimacy or how love conquered marriage. Viking.

Deliri, H. (2019). "Identification of economic variables affecting divorce in Iran", Social-Psychological Studies of Women (Women's Studies), 17(2), 35–62. (Persian).

Ebrahimi Loyeh, A., Zolghadr, A., Sohbatiha, A., & Ojaqloo, R. (2013). "Investigation of factors affecting family conflicts in Zanjan Province", Behavioral Sciences, 5(18), 9–26. (Persian).

Eskafi, M., & Masoudi, H. (2016). "The effect of micro social order in the family on actions leading to divorce through conflict: A case study of children of martyrs in Mashhad", Khorasan Cultural and Social Studies, 11(1), 63–84. (Persian).

Etang, A., Hounsa, T., & Pape, U. J. (2022). Impact of High Inflation on Household Livelihoods in Urban South Sudan. Policy Research Working Paper Series 10210, The World Bank.

Farzanegan, M. R., & Gholipour, H. F. (2016). "Divorce and the cost of housing: evidence from Iran", Review of Economics of the Household, 14(4), 1029–1054.

Fotros, M. H., & Fatemi Zardan, Y. (2021). "Examining household educational expenditures' reaction to sanctions-induced shocks: A provincial study", Knowledge-Based Development Economics Quarterly, 1(2), 107–132. (Persian).

Giddens, A. (2017). Sociology (8th ed.). Polity Press.

Gonzalez, F., & Quast, T. (2022). "The relationship between abortion rates and economic fluctuations", Economics and Human Biology, 46, 101-120.

Goldani, M., & Zafaranchi, L. S. (2022). “Economic analysis of macroeconomic variables affecting the index of willingness to marry in Iran”, Women and Society Quarterly, 13(49), 75–90. (Persian).

Goldenberg, H., & Goldenberg, I. (2008). Family Therapy: An Overview (7th ed.). Belmont, CA: Thomson Brooks/Cole.

Hasty, J., Lewis, D. G., & Snipes, M. M. (2022). Introduction to anthropology. Print length.

Hersij, H., & Rabiei Nia, B. (2023). “The formation model of protest movements with emphasis on the role of virtual social networks”, Applied Sociology, 34(3), 1–22. (Persian).

Hosseinzadeh, M. S. (2024). “Examining and analyzing the process of virtual social networks’ impact on economic-based protests (Case study: November 2017 and January 2020)”, Afagh-e Amniat Quarterly, 17(63), 103–133. (Persian).

Hsieh, H. F., & Shannon, S. E. (2005). “Three approaches to qualitative content analysis”, Qualitative health research, 15(9), 1277–1288.

Iman, M. T., & Noushadi, M. R. (2011). “Qualitative content analysis”, Pajouhesh, 3(2), 15–44. (Persian).

Iranian Students Polling Agency (ISPA). Retrieved from https://ispa.ir. (Persian).

International Monetary Fund (IMF). Retrieved from https://www.imf.org.

Kalateh Sadati, A., & Saboohi Golkar, Z. (2024). “Fundamental changes in the institution of family and the supra-institutional individualism”, Studies and Social Research in Iran, 13(2), 237–252. (Persian).

Jahani Dolatabad, E.; Ashayeri, T.; Heidari, H. (2025). “Sociological Study of the Effect of Economic Factors on Collective Conflict in the Provinces of the Country during the 2010s, Quarterly Journal of Social Development (Previously Human Development)”, 19(3), 111-136. (Persian).

Jahangiri, J.; Ahmadi, H.; Tabiee, M. & Moltafet, H. (2014). “Construction of One- Child Women Understanding Of Childbearing

Challenges (Participants: One- Child Women of Ahvaz)", Quarterly Journal of Social Development (Previously Human Development), 9(1), 85-110. (Persian).

Meftahpour, A.; Droudi, H.; Ghobadi, A. & Memarzadeh Tehran, G. (2024). "Investigating the Formation of Social Sustainable Development in Iran with an Emphasis on the Opinions of Twitter Users", Quarterly Journal of Social Development (Previously Human Development), 19(1), 187-218. (Persian).

Mitra, S., Shen, C., Pinnamraju, J., Wiener, R. C., Wang, H., Pathak, M., Findley, P. A., & Sambamoorthi, U. (2024). "Stress Due to Inflation: Changes over Time, Correlates, and Coping Strategies among Working-Age Adults in the United States", International journal of environmental research and public health, 21(2), 157.

Mohammadnejad, N., Fotros, M. H., & Masoumi, M. R. (2017). "Analyzing the effects of the 2010–2013 economic recession on Iranian household health expenditures", Social Welfare, 17(67), 109–134. (Persian).

Mondal, R., Aburto, J. M., Sear, R., Tuljapurkar, S., Mishra, U. S., & Salguero-Gómez, R. (2024). Human populations with low survival at advanced ages and postponed fertility reduce long-term growth in high inflation environments. bioRxiv. doi: https://doi.org/10.1101/2024.07.31.606043.

Murdock, G. P. (1949). Social Structure. Macmillan.

Nunley, J. M. (2010). "Inflation and other aggregate determinants of the trend in US divorce rates since the 1960s", Economics, 42(26), 3367–3381.

Raed Salahddin, T. & Siham Daoud, S. (2024). "Analysis of Inflationary Burden Impact on The Consumption of Iraqi Households", Journal of Economics and Administrative Sciences, 30(141), pp. 369–384.

Rahmani, T., & Baqerpour Askouei, E. (2017). "An analysis of the relationship between saving rates and economic growth in countries with high and low inflation", Economic Growth and Development Research, 7(28), 71–82. (Persian).

Rohman, M. (2024). “Family Conflict in the Context of Economic Change: Resilience and Adaptation”, Sakina, 8(4), 518–532.

Ross, D. B., Gale, J., Wickrama, K. K. A. S., Goetz, J., & Vowels, M. (2019). “The Impact of Family Economic Strain On Work-Family Conflict, Marital Support, Marital Quality, and Marital Stability During the Middle Years”, Journal of personal finance, 18(2), 9–24.

Sadikeen, S. S., Haque, N., Hossain, M. M., & Uddin, M. J. (2024). “Impact of food price inflation on stunting in under five aged children in Bangladesh”, Health economics review, 14(1), 1-13.

Sadr Tabatabaei, F., & Hosseini, S. M. (2001). “Definition of family from the perspective of the Qur'an”, Quranic Research, 7(27–28), 132–139. (Persian).

Sepahrdoust, H., & Ebrahimnasab, S. (2015). “The effect of the Human Development Index (HDI) on under-five child mortality in Iran”, Payesh, 14(2), 137–144. (Persian).

Shams Ghahfarrokhi, F., Askari Nodoushan, A., Eini Zeinab, H., Rouhani, A., & Abbasi-Shavazi, M. J. (2022). “At the crossroads of fertility decision-making: An analysis of individual and social challenges of childbearing in the context of low fertility in Isfahan”, Applied Sociology, 33(4), 1-28. (Persian).

Sohrabzadeh, M., Norouzi, M., & Askari Kaviri, A. (2017). “White marriage: Motivations and contexts”, Journal of Lifestyle Sociology, 3(9), 189–249. (Persian).

Soltani Shayan, A. (2023). “Characteristics of an ideal family from the perspective of the divine and complete religion of Islam (Focusing on identifying marital challenges and offering effective solutions to enhance family balance)”, Studies in Psychology and Educational Sciences, 9(3), 116–138. (Persian).

Strauss, A., & Corbin, J. (1998). Basics of qualitative research: Techniques and procedures for developing grounded theory (2nd ed.). Sage Publications.

Statistical Center of Iran. Retrieved from www.amar.org.ir. (Persian).

Tavakolian H, Babaee M, Shakeri A. (2018). "How Fluctuations in Macroeconomic Indicators Affect Inflation in Iran", J. Mon. Ec. 13(3):267-289. (Persian).

The Erosion of the Family Institution in the Mirror of Tweets: A Qualitative Study of Inflation's Impact on Iranian Family Life

Abbas Ali Shekardoost[1], *Soodeh Maghsoodi (Ph.D)*[2]
Saeideh Garousi (Ph.D)[3]

Doi: 10.22055/QJSD.2026.50175.3107

Abstract:

Amid Iran's economic crises, inflation-understood as a structural phenomenon-has disrupted not only macroeconomic indicators but also the institution of the family. Twitter, as a reflection of public discourse, offers valuable data on citizens' lived experiences in confronting inflation. This qualitative study, employing content analysis based on the method of Hsieh and Shannon (2005), coded and analyzed 116 tweets related to inflation using MAXQDA18. Findings indicate that inflation, through the imposition of multilayered economic pressures, highlights two main themes within the structure of Iranian families: "internal disorder and conflict" and "family vulnerabilities." The first theme involves the weakening of foundations such as compatibility, cooperation, shared thinking, and empathy, which leads to heightened tensions and communicative disconnection. The second theme points to livelihood crises, challenges of childbearing, diminished child well-being, and financial insecurity, all of which reduce family resilience. Nevertheless, the findings suggest that Iranian families, by utilizing adaptive strategies such as "intra-family participatory economy" and "minimalist consumption patterns," strive to redefine the notion of "coexistence" in response to emerging challenges.

Key Conceptss: *Iran, Inflation, Iranian Family, Qualitative Content Analysis, Twitter Social Network*

[1] PhD Student, Department of Social Sciences, Faculty of Literature and Humanities, Shahid Bahonar University of Kerman, Kerman, Iran, abbasali.shekardoost1372@ens.uk.ac.ir

[2] Associate Professor of Sociology, Department of Social Sciences, Faculty of Literature and Humanities, Shahid Bahonar University of Kerman, Kerman, Iran, (Corresponding Author), smaghsoodi@uk.ac.ir

[3] Professor of Sociology, Department of Social Sciences, Faculty of Literature and Humanities, Shahid Bahonar University of Kerman, Kerman, Iran, sgarousi@uk.ac.ir

© 2019 by the authors. Licensee SCU, Ahvaz, Iran. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution-Non Commercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0 license) (http://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/).